



این جادار الشفای آل محمد(ص) است

یکی از شاگردان علامه طباطبایی نقل می کند که یک بار در ایام طلبگی به مشهد رفته بودم و در سخن های حرم مطهر امام رضا(ع) قدم می زدم و به بارگاه امام(ع) می نگریدستم؛ اما داخل رواق ها و روضه نمی رفتم. ناگهان دست مهربانی بر شانه هایم قرار گرفت و با لحنی آرام فرمود: «حاج شیخ حسن! چرا وارد نمی شوی؟!» نگاه کردم و دیدم علامه طباطبایی است. عرض کردم: «خجالت می کشم با این آشفتگی روحی بر امام رضا علیه السلام وارد شوم. من آلوده کجا و حرم پاک ایشان کجا؟!» علامه تبسمی فرمود و به من گفت: «طیب برای چه مطب باز می کند؟! برای این که بیماران به وی مراجعه کنند و بانسخته او تندرستی خود را بیابند. این جاهم دار الشفای آل محمد علیهم السلام است. داخل شو که امام رضا علیه السلام طبیب الاطباء است.» فرزند ایشان نقل می کردند: «در سال آخر حیاتشان به دلیل کسالتی که داشتند و بنا به تأکید و توصیه پزشک مخصوص، نمی خواستیم که ایشان بنا بر رسم هر ساله ای که داشتند، به مشهد مقدس مشرف شوند. ولی علامه اصرار داشتند و رفتند. پس از مراجعت از مشهد، به ایشان گفتم: بالاخره به مشهد رفتید! فرمود: «پسرم جز مشهد کجاست که آدم بتواند در دهایش را بگوید و درمانش را بگیرد؟»

چکامه های زیارت

حرم دین

دین را حر میست در خراسان
دشوار تو را به محشر آسان

از معجزه های شرع احمد(ص)
از حجت های دین یزدان

همواره رهش مسیر حاجت
پیوسته درش مُشیرِ غفران

چون کعبه پُر آدمی ز هر جای
چون عرش پُر از فرشته هزمان

هم فرّ فرشته کرده جلوه
هم روح وصی درو به جولان

از رفعت او حریم مشهد
از هیبت او شریف بنیان

از دور شده قرار زبیرا
نزدیک بمانده دیده حیران

از حرمت زائران راهش
فردوس فدای هر بیابان

از خاتم انبیا در او تن
از سید او صیاد رو جان

سنایی غزنوی

ما را قبول کن ...

در گوشه ای ز صحن تو قلبم نشسته است
دل، طوق الفتی به ضریح تو بسته است

چون دشت های تشنه در این آستان قدس
در انتظار ابر عنایت نشسته است

چون ذره بر ضریح خود ای روح آفتاب!
ما را قبول کن که دل ما شکسته است

فوج کبوتران تو آموخت عشق را
پرواز نور در حرمت دسته دسته است

دریاب روح خسته ما را که مثل اشک
دیگر امید ما ز دو عالم گسسته است

می آید از ترا کم عالم به این دیار
قلبی که از ترا حرم اندوه خسته است

زنده غلام مرزا شکوهی

صفحه آرایی

واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

layout@khorasannews.com

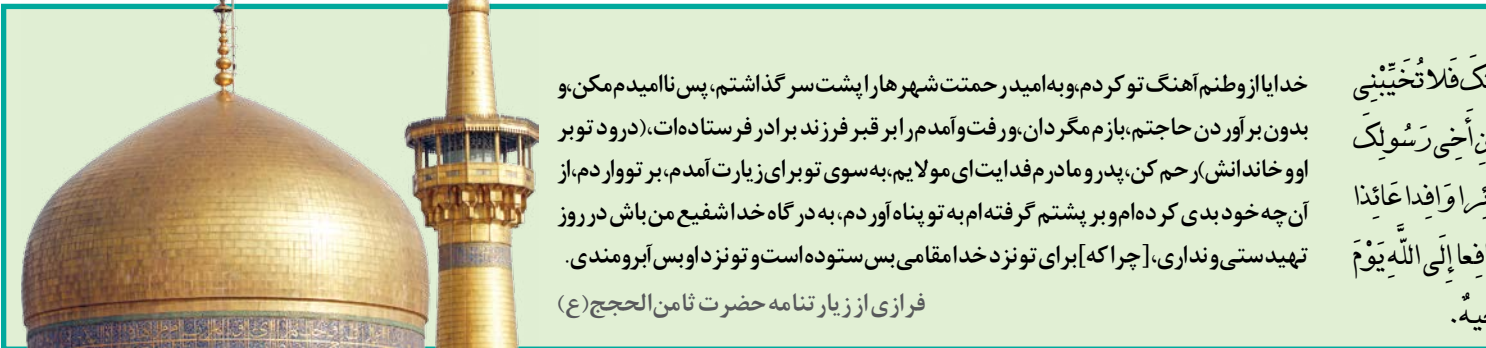
زیارت

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان رضوی

خبرآن رضوی

Wed, Nov. 15, 2023, No. 5388

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲ . شماره ۵۳۸۸



خدا یا از وطنم آهنگ تو کر دم، به امیدر حمتت شهرها را پشت سر گذاشتم، پس نا امیدم مکن و بدون برآور دن حاجتم، باز م مگر دان، و رفت و آمدم را بر قبر ز ند برادر فرستاده ات، (درو د تو بر اوو خاندانش را حم کن، پدر و مادر م فدایت ای مولا یم، به سوی تو بر ای زیارت آمدم، بر تو وار دم، از آن چه خود بدی کرده ام و بر پشتم گرفته ام به تو پناه آور دم، به درگاه خدا شفیع من باش در روز تهیدستی و نداری، (چرا که) ابرای تو نوز د خدا مقامی بس ستوده است و تو نوز داو بس آبرو مندی.

فرازی از زیارتنامه حضرت ثامن الحجج (ع)

واقفان ۴۰۰ سال قبل، چگونه به رونق زیارت و فرهنگ آن کمک می کردند؟

چتر حمایتی وقف بر سر زائران عصر صفوی

وقفی خود را به امور زائران و رسیدگی به احوالات آنان اختصاص داد.

●یادی از ۲ واقف برجسته

در میان چهره های واقف دوره صفوی، دو چهره معروف یعنی مهدی قلی بیگ، میرآخور شاه عباس و بانی حمام مشهور بازار فرش مشهد و همچنین، صفی قلی خان، بیگلربیگی مشهد در دوره شاه عباس دوم، نگاهی ویژه و اختصاصی به وقف زواری داشته اند. مهدی قلی بیگ، مزرعه «جاغر» از بلوک تبادکان را در سال ۱۰۱۱ ق، وقف طلاب و زوار فقیر کرده و شرط نموده است تازمانی که در مشهد شخص مستحق و وجود دارد، عواید موقوفه را در جای دیگری خرج نکنند. صفی قلی خان که مجموعه موقوفات او در محله چهارباغ مشهد و نیز، مزرعه گوجگی در بلوک تبادکان قرار دارد، نگاه اختصاصی تر به وقف زواری داشته است. او بخشی از عواید موقوفه را وقف زواران نیازمند و در راه مانده کرده و در این بین، تأکید دارد که زوار بحرینی و زائرانی که از عتبات به مشهد مقدس می آیند، نسبت به دیگر زوار، در بهره مندی از عواید این موقوفه، حق تقدم دارند. وقف نامه صفی قلی خان در سال ۱۰۷۶ ق تنظیم شده است. نمونه دیگر از چنین رویکردی در وقف زواری را می توان در موقوفه حاجی علی اکبر اصفهانی که اواخر دوره صفویه و در سال ۱۱۰۴ ق تنظیم شده است، ملاحظه کرد. او مزارعی را در بلوکات میان ولایت، رادکان و شاندیز، برای مصارف زواری در نظر گرفت که یک سهم و نیم عواید به سادات زوار نجف، کربلا و کاظمین و حدود سه سهم از آن، به زوار عرب جبل عامل و بحرین اختصاص داده شده است. دلیل این تخصیص را نمی دانیم، اما شاید این تصمیم به دلیل دوری این مناطق از مشهد و احساس نیاز ضروری به حمایت از زائران این مناطق، گرفته شده باشد. وقف های زواری معمولاً به تأمین نیازهای مالی مر بوط به اقامت، غذا، هزینه سفر و درمان اختصاص داشته است.



او، زائران در راه مانده و فقیر می توانند از درآمد موقوفه بهره ببرند، مشروط بر آن که برای خیر دنیا و آخرت واقف دعا کنند. ابوالفتح علی الحسینی نیز، از واقفانی است که به حوزه وقف زواری توجه داشته و سند وقف او، مر بوط به سال ۹۵۷ ق / ۹۲۹ ش، هنوز موجود است. گسترش این موقوفه ها در دوره فرمانروایان بعدی صفویه هم ادامه داشت و حتی در بین واقفان این عرصه، می توان به بانوان خَیِر و نیک اندیش هم بر خورد کرد؛ مثلاً «آغاخانم بنت ارشدی بیگ ذوالقدر» که احتمالاً از وابستگان به امرای صفوی قزلباش و طایفه ذوالقدر بود و در سال ۹۹۷ ق، یعنی دوره شاه عباس یکم، درآمد بخشی از املاک

آن قدیمی ترین سند مر بوط به وقف زواری در مرکز اسناد آستان قدس رضوی است. درباره سیدلطیف و فرجام او، اطلاعاتی در اختیار نداریم.

●بانوان پای کار وقف های زیارت

دامنه موقوفه های زواری، در دوره شاه تهماسب یکم، گسترش چشمگیری داشت. این را می توان از اسناد برجای مانده، به خوبی فهمید. مسلماً تعداد این موقوفه ها، بسیار بیشتر از اسنادی بوده که به دست ما رسیده است. حدود ۱۰ سال بعد از سیدلطیف، امیر سیدجلال الدین محمد نیز، رقباتی را وقف زوار حرم رضوی کرد؛ طبق وقف نامه

جواد نوائیان رودسری – میان وقف و زیارت، همیشه تلازم و همراهی وجود داشته است. در واقع یکی از برجسته ترین عرصه های حضور وقف در تاریخ ایران را می توان در نقش آفرینی این سنت حسنه، برای تسهیل و خدمت رسانی به امر زیارت دید. این موضوع، در مشهد که به دلیل قرار گرفتن حرم مطهر رضوی، طی قرن های گذشته، همواره میزبان خیل زائران بوده است، بیش تر به چشم می آید. بزرگان ساکن این شهر و نیز، افراد صاحب نفوذ و دست به خیری که در کسوت زائر وار د مشهد می شدند، با وقف اموال خود برای تأمین نیاز های رفاهی و روزمره زائران، مجموعه ای از وقف های زواری را پدید آور دند که هنوز هم بسیاری از آن ها پابرجاست و باعث تداوم خیرات و مبرات برای واقفان می شود؛ وقف هایی که اسناد آن ها از دوره صفویه به این سو، باقی است، اما بی تردید، پیش از این عصر نیز، گستره ای وسیع از موقوفه های شهر مشهد و آستان قدس رضوی را در بر می گرفته است.

●کهن ترین اسناد موجود

همان طور که اشاره شد، قدیمی ترین اسناد مر بوط به وقف های زواری، مر بوط به دوره صفویه است. در این دوره، اولاً به دلیل رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران؛ ثانیاً به دلیل برقراری امنیت و تسهیل سفر به مشهد ثالثاً به خاطر توجه ویژه فرمانروایان صفوی به شهر مشهد که بخشی از آن، به تقابل با حکومت عثمانی مر بوط می شد و جای بررسی و بحث آن این جا نیست، تعداد موقوفه های آستان قدس رضوی و شهر مشهد، رو به افزایش گذاشت و به تدریج، حجم معتنا بهی از اراضی و تأسیسات مسکونی و تجاری این شهر را در بر گرفت. در سال ۹۴۰ ق / ۹۱۲ ش، در دهه نخست حکومت شاه تهماسب یکم صفوی که آن را عصر تثبیت حاکمیت صفویه نیز، می دانند، شخصی به نام «سیدلطیف شاه حسینی» موقوفه ای را برای رسیدگی به امور زوار فقیر و در راه مانده اختصاص داد که هم اکنون سند

حرم شناسی

اسرار ناشنیده حوض مسجد گوهر شاد

تا ۸۰ سال قبل، مردم مشهد حوض وسط مسجد جامع شهر را یادگار منزل پیرزنی می دانستند که حاضر نشد زمین خانه خود را به گوهر شاد خاتون بفروشد. در این نوشتار، به بررسی این گزارش و صحت و سقم آن پرداخته ایم

نوائیان – در نیم قرن اخیر، موضوع تاریخ شفاهی به عنوان بخشی قابل مطالعه در علم تاریخ، مورد توجه قرار گرفته است و مورخان علاقه مند در این زمینه به فعالیت پرداخته اند. هر چند خیلی ها هنوز هم حاضر نیستند این گونه روایت ها را به عنوان مستندات تاریخی قبول کنند، اما در ریشه دار بودن آن ها، کمتر کسی تردید می کند. حرم مطهر امام رضا(ع) در کنار تاریخ و مستندات هزار و ۲۰۰ ساله اش، روایت های غیر مستندی هم دارد که پسران از پدران شنیده اند و برای فرزندانشان نقل کرده اند؛ روایت هایی که شیرینی خاص خودشان و معتقدان خودشان را دارند. یکی از این روایت ها که البته نسل جدید به تدریج آن را به فراموشی سپرده، روایت قرار داشتن «مسجد پیرزن» در وسط صحن مسجد جامع گوهر شاد است. داستان تاریخی عجیبی که می خواهیم امروز در باره صحت و سقم آن صحبت کنیم و ببینیم آیا این روایت قدیمی می تواند درست باشد یا نه؟ اصلاً در پس این قصه عجیب، چه پیام و اندرز نهفته است؟ با ما همراه باشید.

●مروری بر اصل داستان

روایت های عامیانه چنین حکایت می کنند حوض وسط مسجد گوهر شاد، خانه پیرزنی بود که در زمان ساخت مسجد به هیچ وجه حاضر به فروش ملک خود نشد و در نهایت آن را وقف کرد تا به نام خودش، تبدیل به مسجد شود. ماجرا به زمان ساخت مسجد گوهر شاد در حدود سال ۸۲۱ ق باز می گردد؛ زمانی که به دستور گوهر شاد خاتون، همسر شاه رخ تیموری و با نظارت قوام الدین شیرازی، معمار برجسته آن عصر، طرح مسجد گوهر شاد

●مسجد پیرزن» در متون تاریخی

نویسندگان کتاب «مسجد و موقوفات گوهر شاد»، روایت شفاهی و عامیانه دیگری را در این باره نقل می کنند و می نویسند: «در سال ۱۰۸۴ ق زلزله ای شدید در مشهد سبب وار دآمدن خسارت و خرابی به مسجد گوهر شاد می شود. زال بیگ (ظاهر شخصیتی ثروتمند در آن دوره) اقدام به تعمیر اساسی این بنا می کند و در کتیبه ای این واقعه را ثبت کرده است. وی پس از تعمیر و مرمت مسجد در وسط صحن ستون های سنگی ساخته و آن ها را به نام خود،